

## حقوق اعضای بدن: زبان، گوش و چشم در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان\*

### مقدمه

از نظر اسلام همه جهان هستی، مخلوق و مملوک خدای متعال است و کسی بدون اذن خدا نمی‌تواند در آن تصرف کند: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ»<sup>۱</sup> خداوند، آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیا است». انسان و اجزای بدن او نیز آفریده خدا و متعلق به اوست. بنابراین نه تنها تصرف و دخالت بی‌جا در جهان هستی، محیط‌زیست و زندگی سایر انسان‌ها بدون اجازه خدا جایز نیست؛ بلکه تصرف انسان در بدن خود نیز بدون اجازه خدا جایز نخواهد بود. امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق<sup>۲</sup>، به حقوق اعضای بدن اشاره فرموده است که این نوشتار تنها به سه عضو اصلی بدن، یعنی زبان، گوش و چشم می‌پردازد.

### ۱. حق زبان

توانایی انسان بر سخن گفتن، یکی از نعمت‌های خداوند و از شاخصه‌های تمایز انسان از سایر حیوانات است. کلام، نشانگر شخصیت انسان است؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: «المرء مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»<sup>۳</sup> انسان زیر زبانش پنهان است».

آدمی مخفی است در زیر زبان  
این زبان پرده است بر درگاه جان<sup>۴</sup>

زبان از یک سو وسیله ذکر الهی، خواندن نماز، تلاوت قرآن، توصیه به خوبی‌ها و گفتن جملات

\* دکتری ادیان و عرفان.

۱. زمر: ۶۲.

۲. ر.ک: محمد بن علی صدوق؛ الخصال؛ ص ۵۶۴؛ حسن بن علی ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۴۳۰.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ حکمت ۱۴۸.

۴. جلال‌الدین محمد بلخی رومی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر دوم، ص ۲۴۱.

محبت‌آمیز است: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»؛<sup>۱</sup> و از سوی دیگر وسیله دروغ‌گویی، دشنام، غیبت، تهمت، زخم زبان و سایر گناهان است. امام سجاد علیه السلام حقوق زبان را این‌گونه بیان کرده است:

#### ۱/۱. پرهیز از بدزبانی و عادت به کلمات خوب و مؤدبانه

امام علیه السلام در اولین سخن خود درباره حق زبان، بر گرامیداشت زبان تأکید می‌کند: «وَأَمَّا حَقُّ اللِّسَانِ فَأِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَى وَتَعْوِيدُهُ عَلَى الْخَيْرِ وَحَمْلُهُ عَلَى الْأَدَبِ؛ اما حق زبانت بر تو آن است که آن را از دشنام‌گویی گرامی‌تر داری و به گفتن کلمات خوب و نافع، عادتش دهی و بر ادب و ادارش کنی».

از نگاه اسلام، اگر چه سخن گفتن از اعمال اختیاری انسان است، اما آن‌گونه که برخی می‌پندارند باد هوا نیست و فرشتگان آن را ثبت می‌کنند: «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»<sup>۲</sup> انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد، مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است. از همین روست که در روایات بر حفظ زبان از گناه تأکید شده است؛ چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ»<sup>۳</sup> مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند. امام باقر علیه السلام نیز فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ»<sup>۴</sup> خداوند شخص ناسزاگویی بد دهان را دشمن دارد.

انسان خردمند می‌کوشد خود را از آفات زبان حفظ کند؛ زیرا می‌داند زبان در سرنوشت انسان تأثیر دارد. در قیامت بهشتیان از دوزخیان می‌پرسند چرا جهنمی شدید؟ آنها می‌گویند: «وَكُنَّا نَحْوُضَ مَعَ الْخَائِضِينَ»<sup>۵</sup> ما پیوسته با اهل باطل هم‌نشین و هم‌صدا بودیم. علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر این آیه می‌نویسد: «منظور از خوض، سرگرمی زبانی و عملی در باطل و فرورفتن در آن است، به‌گونه‌ای که فرد از توجه به غیر باطل غافل شود».<sup>۶</sup>

یکی از راه‌های نجات از آفات زبان و عادت به گفتن جملات شایسته، این است که فرد قبل از آنکه سخنی بر زبان جاری سازد؛ ابتدا فکر کند، اگر به مصلحت و به نفع دین و دنیای انسان بود،

۱. بقره: ۸۳.

۲. ق: ۱۸.

۳. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۳۲، ص ۴۰.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۳۲۴.

۵. مدثر: ۴۵.

۶. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲۰، ص ۹۸.

سخن بگوید؛ در غیر این صورت سکوت کند. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است:

إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِهِ وَإِنَّ قَلْبَ الْمُنَافِقِ مِنْ وَرَاءِ لِسَانِهِ؛ لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ، فَإِنْ كَانَ خَيْرًا أَبَدَاهُ وَإِنْ كَانَ شَرًّا وَارَاهُ، وَإِنَّ الْمُنَافِقَ يَتَكَلَّمُ بِمَا أَتَى عَلَى لِسَانِهِ لَا يَدْرِي مَا ذَا لَسُهُ وَمَا ذَا عَلَيْهِ؛<sup>۱</sup> زبان مؤمن، در پشت دل اوست و دل منافق، در پشت زبان او؛ زیرا مؤمن هر گاه بخواهد سخنی بگوید، ابتدا درباره آن می اندیشد؛ اگر خوب بود، اظهارش می کند و اگر بد بود، آن را پنهان می دارد؛ اما منافق هر چه به زبانش آید، می گوید؛ بی آنکه بداند چه سخنی به سود و چه سخنی به زیان اوست.

آیت الله خسروشاهی رحمته الله درباره آیت الله بهجت رحمته الله می گوید: «یکی از ویژگی های بارز ایشان آن بود که وقتی می خواستند مطلبی بفرمایند، علاوه بر رعایت مقتضی حال، اول فکر می کردند؛ حتی در این زمینه که مطلب را چگونه و در چه قالب و جملاتی بگویند تا از سویی کوتاه باشد و از جهتی رساتر بوده و بهتر مطلب را برساند».<sup>۲</sup>

#### ۱/۲. سکوت و اجتناب از زیاده گویی

امام سجاد علیه السلام در بیان حقوق دیگر زبان، به سکوت و پرهیز از زیاده گویی اشاره کرده است:

وَإِجْمَامُهُ إِلَّا لِمَوْضِعِ الْحَاجَةِ وَالْمَنْفَعَةِ لِلدِّينِ وَالدُّنْيَا وَإِعْفَاؤُهُ عَنِ النَّصُولِ الشَّيْعَةِ الْقَلْبِلَةِ الْفَائِدَةِ الَّتِي لَا يُؤْمَنُ صَرُّهَا مَعَ قَلْبَةٍ عَائِدَتِهَا وَ يُعَدُّ شَاهِدَ الْعَقْلِ وَالذَّلِيلِ عَلَيْهِ وَ تَزِينِ الْعَاقِلِ بِعَقْلِهِ حُسْنُ سِيرَتِهِ فِي لِسَانِهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛ و از بیخود چرخیدن در دهان، منع اش نمایی تا سکوت کند، مگر در جایی که نیاز به تکلم باشد و نفعی برای دنیا و آخرت داشته باشد و نگذاری سخنی که فایده و نفعی ندارد و جز ضرر و زیان، حاصلی در آن متصور نیست؛ از دهان تو خارج شود، بعد از آنکه عقل و نقل بر مضر بودن و بد بودن آن دلالت دارد؛ زیرا که زینت عاقل به عقلش، در خوبی گفتار و درست سخن گفتن است و حول و قوه ای نیست، مگر به حول و قوه خداوند بزرگ.

یکی از مقامات معنوی انسان، سکوت است؛ اینکه انسان بتواند بر نفس خویش لگام بزند، زبان خود را در کام نگهدارد و از اظهار فضل و دانایی و زیاده گویی بپرهیزد. امام صادق علیه السلام فرموده

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۱۷۶.

۲. جمعی از نویسندگان؛ زبان: بایدها و نبایدها؛ ص ۷۶.

است: «قَالَ لَقْمَانُ لِإِبْنِهِ يَا بُنَيَّ إِنَّ كُنْتَ زَعَمْتَ أَنَّ الْكَلَامَ مِنْ فَضِّهِ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ؛<sup>۱</sup> لقمان به پسرش گفت: فرزند عزیزم! اگر گمان می‌کنی سخن گفتن از نقره است، به درستی که سکوت از طلاست».

سخن گرچه هر لحظه دلکش‌تر است      چه بینی خموشی از آن بهتر است  
پشیمان ز گفتار دیدم بسی      پشیمان نگشت از خموشی کسی<sup>۲</sup>

مرحوم آیت‌الله کوهستانی<sup>رحمه‌الله</sup> می‌فرمود: «در دوران طلبگی، چند سال با یک طلبه اردبیلی هم حجره بودیم. ابتدا که می‌خواستیم با هم در حجره درس بخوانیم و زندگی کنیم، تعهد کردیم که جز حرف‌های واجب و مستحب، حرفی دیگر نزنیم. در طول این چند سال کوشیدیم که به این تعهد عمل کنیم و عمل هم کردیم».<sup>۳</sup>

البته در برخی موارد، سخن گفتن وظیفه است؛ مانند نجات جان بی‌گناهی و یا نیفتادن انسان نابینایی در چاه، یا برای برخورد نکردن او با وسیله نقلیه، یا در مقام احقاق حق خود و دیگران نباید سکوت کرد.

و گر بینم که نابینا و چاه است      اگر خاموش بنشینم، گناه است<sup>۴</sup>

امام سجاد<sup>علیه‌السلام</sup> در پایان سخن‌اش درباره حق زبان، عقل را زینت انسان معرفی کرده و فرموده است: «و تَزِينُ الْعَاقِلِ بَعْقَلُهُ حُسْنُ سِيرَتِهِ فِي لِسَانِهِ؛ زینت عاقل به عقلش در خوبی گفتار و درست سخن گفتن است».

## ۲. حق گوش

گوش یکی از ابزارهای فراگیری دانش و فضیلت است و در رشد و شکوفایی انسان نقشی بی‌بدیل دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»<sup>۵</sup> خداوند شما را از شکم مادران خارج نمود، در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم و عقل قرار داد تا شکر نعمت او را بجا

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۱۴.

۲. بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی؛ کشکول شیخ بهایی؛ دفتر اول، بخش چهارم.

۳. جمعی از نویسندگان؛ زبان: بایدها و نبایدها؛ ص ۷۴.

۴. مشرف‌الدین مصلحین عبدالله سعدی؛ گلستان؛ باب اول در سیرت پادشاهان.

۵. نحل: ۷۸.

آوردید». امام علی بن الحسین علیه السلام در این فراز نکات مهمی را درباره حقوق قوه شنوایی انسان متذکر می‌شود که بدان می‌پردازیم:

#### ۲/۱. شنیدن سخنان مفید

امام سجاده علیه السلام درباره حق گوش می‌فرماید:

وَأَمَّا حَقُّ السَّمْعِ فَتَنْزِيهُهُ عَنِ أَنْ تَجْعَلَهُ طَرِيقًا إِلَى قَلْبِكَ إِلَّا لِفُؤَهَةِ كَرِيمَةٍ تُحَدِّثُ فِي قَلْبِكَ خَيْرًا أَوْ تَكْسِبُ خُلُقًا كَرِيمًا، فَإِنَّهُ بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ يُؤَدِّي إِلَيْهِ ضُرُوبُ الْمَعَانِي عَلَى مَا فِيهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ؛ و اما حق گوش این است که مراقب باشی آن را نگشایی، مگر برای شنیدن سخن خوبی که در دلت خیری پدید آورد یا اخلاق والایی بدان کسب کنی؛ زیرا گوش، دروازه سخن به سوی قلب است که معانی گوناگونی را که متضمن خیر یا شر است، به آن می‌رساند.

از نظر امام علیه السلام سخنانی مفیدند که دو اثر مهم بر قلب داشته باشند، اول آنکه خیری را در قلب ایجاد کنند و دوم آنکه موجب کسب اخلاق نیکو شوند. مطابق فرمایش امام علیه السلام، گوش و قوه شنوایی انسان، یکی از ابزارهای مهم شکل‌گیری شخصیت است. شخصیت هر فردی، برآیند خلق و خوی و اعتقادات اوست. آدمی با گوش سپردن به نوای دلنشین قرآن و روایات صحیحیه و سخنان حکمت‌آمیز و مواعظ علمای معزز، می‌تواند به قلب خود منفعتی برساند و روح را در کسب اخلاق فضیلت‌مند کمک کند؛ از همین روست که قرآن می‌فرماید: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۱</sup> هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرادهید و باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید». امام سجاده علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ فَكِيهَةٌ، وَ فَكِيهَةُ السَّمْعِ الْكَلَامُ الْحَسَنُ»<sup>۲</sup> هر چیزی میوه‌ای دارد و میوه گوش، (شنیدن) کلام نیکوست».

امام سجاده علیه السلام در ادامه سخنان خود درباره حق گوش، گوش را دروازه ورود سخن به قلب معرفی می‌کند. در فرهنگ قرآن، قلب همان عقل است که قدرت فهم حقایق را دارد. اگر شنیدنی‌های انسان مطالب مفیدی باشد، قلب با آنها زنده، وگرنه دچار مرض و یا مرگ می‌شود؛ چنان‌که خداوند درباره عده‌ای می‌فرماید: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا»<sup>۳</sup> آنها دل‌ها [عقل‌ها] بی‌دارند که

۱. اعراف: ۲۰۴.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۸، ص ۱۶۰.

۳. اعراف: ۱۷۹.

با آن (اندیشه نمی‌کنند و) نمی‌فهمند». بنابراین انسان تنها باید به چیزهایی گوش دهد که در کسب اخلاق و ملکات نیک تأثیر داشته باشند. امام علی علیه السلام در وصف انسان‌های متقی می‌فرماید: «وَقَفُّوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ؛<sup>۱</sup> متقین کسانی هستند که گوش‌های خود را فقط برای شنیدن دانش مفید مورد استفاده قرار می‌دهند». انسان آنچه را که می‌شنود، راهی قلب و مرکز اندیشه‌اش می‌شود؛ بنابراین باید بعد از شنیدن هر سخنی درباره صحت و درستی آن فکر، و با قاطعیت سخنان ناروا، زشت و شایعات را رد کند: «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛<sup>۲</sup> از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤولند». قلب آدمی ممکن است با انتخاب‌های بد و تکرار کارهای ناشایست، از جمله شنیدن سخنان ناروا و یا موسیقی‌ها و صداهاى حرام و لهُو و لعب به مرور زمان دچار قساوت شود و از فهم حقایق و تشخیص خوب و بد محروم گردد.

### ۳. حق چشم

چشم همانند زبان و گوش، عضوی است که می‌تواند سبب سعادت و یا شقاوت آدمی گردد. مهم آن است که انسان چگونه از این نعمت الهی بهره بگیرد. امام سجاد علیه السلام در بیان حقوق چشم، به موارد ذیل اشاره کرده است:

#### ۳/۱. فرو بستن بر محرّمات الهی

حق چشم، آن است که انسان آن را بر حرام ببندد و به ابتدال نکشاند؛ یعنی به هر جایی و هر چیزی نگاه نکند: «وَأَمَّا حَقُّ بَصْرِكَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَتَرْكُ ابْتِدَالِهِ؛ و اما حق چشمت، این است که آن را از آنچه بر تو حلال نیست، فرو بندی و مبتدلش نسازی (بی جهت به هر طرف و هر چیزی نگاه نکنی)».

امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف متقین فرموده است: «غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛<sup>۳</sup> انسان‌های باتقوا چشم‌های خود را در برابر آنچه خداوند برای آنها حرام کرده است، پوشیده‌اند». بسیاری از گناہانی که انسان مرتکب می‌شود، بر اثر نگاه حرامی است که انجام داده است؛ از همین روست که اسلام بر کنترل چشم تأکید فراوان دارد. خداوند می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۳.

۲. اسراء: ۳۶.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۳.

يَغُضُّوا مِنْ ابْصَارِهِمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ...<sup>۱</sup> به مردان بگو دیدگان خود را فرو خوابانند و ... به زنان مؤمنه بگو دیدگان خویش را فرو خوابانند». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ؛<sup>۲</sup> نگاه حرام، تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است». بنابراین با هر نگاه حرامی، انسان تیری به ایمان و معنویات درونی خود می‌زند و آن را کم‌فروغ می‌کند.

### ۳/۲. عبرت‌آموزی

یکی از حقوق چشم آن است که از آن برای عبرت‌آموزی استفاده شود. عبرت‌آموزی، موجب افزایش بینایی و دانش انسان می‌گردد:

وَ أَمَا حَقُّ بَصْرِكَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ تَرْكُ ابْتِدَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصْرًا أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عَلَمًا فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْإِعْتِبَارِ؛ و اما حق چشمت این است که آن را از آنچه بر تو حلال نیست، فرو بندی و مبتدلش نسازی (بی جهت به هر طرف و هر چیزی نگاه نکنی)، مگر برای عبرت‌آموزی تا دیده‌ات را بدان بینا کنی یا دانشی بدان فراگیری؛ زیرا چشم، دروازه عبرت‌آموزی است.

برخی همیشه با چشم خود به دیگران نگاه می‌کنند تا عیبی را بیابند و برای دیگران تعریف کنند. در صورتی که انسان اگر عیب و نقصی در دیگران مشاهده کرد، باید از آن عبرت بگیرد و بکوشد خود را از آن عیوب در امان بدارد. امام سجاد علیه السلام در این فراز می‌فرماید چشم باید به گونه‌ای نگاه کند که با نگاه خود بینا شود و دانشی به دست آورد. بسیاری از حوادثی که در اطراف ما رخ می‌دهد، برای عبرت‌آموزی کفایت می‌کند؛ برای مثال مرگ عزیزان، از بین رفتن قدرت‌های بزرگ، بیماری‌های سخت و دشوار و ... امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَا أَكْثَرَ الْعِبْرَةَ وَ أَقَلَّ الْإِعْتِبَارَ»<sup>۳</sup> چه بسیار است پندها و چه اندکند، پند پذیرندگان».

قرآن کریم از انسان خواسته است که در نگاه به اطراف، اهداف ذیل را دنبال کند:

• نگاه برای عبرت‌آموزی: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ»<sup>۴</sup> بگو در روی زمین سیر کنید و ببینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید». هنگامی که امیر مؤمنان علی علیه السلام

۱. نور: ۳۰ و ۳۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۴۶۰.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ حکمت ۲۹۷.

۴. نمل: ۶۹.

بر مدائن می‌گذشت و آثار ایوان کسری را مشاهده می‌نمود،<sup>۱</sup> یکی از افرادی که در خدمت آن حضرت بود، از روی عبرت این شعر را خواند:

جَرَّتِ الرِّيَاحُ عَلَي رُسُومِ دِيَارِهِمْ  
فَكَانَتْهُمْ كَانُوا عَلَي مِعَادٍ<sup>۲</sup>

بادها بر خرابه‌های دیارشان وزید، گویا اینان بر وعده‌گاهی بوده‌اند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

چرا این آیات را تلاوت نکردی؟ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ؛ وَ زُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ؛ وَ نَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ؛ كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ؛ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ؛<sup>۳</sup> [سرانجام همگی نابود شدند و] چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌ها که از خود به جای گذاشتند، و زراعت‌ها و قصرهای زیبا و گرانبیست، و نعمت‌های فراوان دیگر که در آن [غرق] بودند! این چنین بود ماجرای آنان! و ما [اموال و حکومت] اینها را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم! نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین، و نه به آنها مهلتی داده شد.

سپس فرمود:

إِنَّ هَؤُلَاءِ كَانُوا وَاْرثِينَ فَأَصْبَحُوا مَؤْرُوثِينَ، لَمْ يَشْكُرُوا النِّعْمَةَ فَسَلَبُوا دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَةِ، إِيَّاكُمْ وَ كَفَرُوا النِّعْمَ لَا تَحُلُّ بِكُمْ النِّعْمَ؛ البته آنان وارث بودند، اما اکنون ارث برده شده‌اند؛ نعمت را شکر نکردند، در نتیجه دنیایشان بر اثر معصیت از دستشان گرفته شد. از ناسپاسی نسبت به نعمت بپرهیزید تا گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها بر شما فرود نیاید.

هان ای دل عبرت‌بین از دیده نظر کن هان

ایوان مدائن را آینه عبرت دان<sup>۴</sup>

• نگاه برای فهمیدن و دانش آموزی: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۵</sup> بگو در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند [به همین گونه] جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ یقیناً خدا بر هر چیز تواناست».

۱. نصر بن مزاحم؛ وقعه صفین؛ ج ۳، ص ۲۰۲.

۲. محمد بن علی کراجکی؛ کنز الفوائد؛ ج ۱، ص ۳۱۵.

۳. دخان: ۲۹ - ۲۵.

۴. افضل‌الدین بدیل بن علی خاقانی؛ دیوان اشعار؛ قصاید، شماره ۱۶۸.

۵. عنکبوت: ۲۰.



### فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. امام زین العابدین علیه السلام، علی بن الحسین؛ صحیفه سجادیه؛ ترجمه جواد فاضل؛ چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۶ش.
۳. بلخی روحی، جلال الدین محمد؛ مثنوی معنوی؛ تهران: انتشارات نشر طلوع، [بی تا].
۴. جمعی از نویسندگان؛ زبان: بایدها و نبایدها؛ چاپ پنجم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۷ش.
۵. خاقانی، افضل الدین بدیل بن علی؛ دیوان اشعار؛ چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۵ش.
۶. سعدی، مشرف الدین مصلح به عبدالله؛ گلستان؛ تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۹۴ش.
۷. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ قم: منشورات دار الهجره، ۱۳۹۵ق.
۸. شهیدی، سیدجعفر؛ زندگانی علی بن الحسین علیه السلام؛ چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۹. صدوق، محمد بن علی؛ الخصال؛ تصحیح علی اکبر غفاری، قم: منشورات جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، ۱۴۰۳ق.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۱. عاملی، بهاء الدین محمد بن حسین؛ کشکول شیخ بهایی؛ قم: انتشارات نیلوفرانه، ۱۳۹۰ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۳. کراچکی، محمد بن علی؛ کنز الفوائد؛ قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
۱۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۵. نصر بن مزاحم؛ وقعة صفین؛ تصحیح عبدالسلام محمد هارون؛ چاپ دوم، قم: مکتبة آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.